

می فرمود که ترقیات مادی اروپا بتجدیق می رسد هر امریکه بتجدیق رسید لابد ترقی نماید مهیو داریم که ترقیات روحانی شامل حال آنها شود و صیانت نماید اما هر امریکه مانند بنال در نشو و نماست معلومست که رو بر ترقیست آیا میک از طهران بغداد و غیره تقسیم میکنند از اجاب بین راه نبود ولی چون بنال امر الله در نشو و نما بود مشهود بود که امر الله محیط شرق و غرب خواهد گردید استقلال ناصر الدین شاه نخواهد ماند حال ملاحظه کنید که آن استقلال کجاست و ما کجا ایم انهی از روز عصر از کثرت جمعیت ایوان عمارت پر بود بسیار در اوطاقهای اطراف ایستاده و سامع بودند و عنوان نطق مبارک این بود که نظر بجان نیست بلکه بوجه و قلوب نورانی اجناس در بغداد اوطاقی کوچک نشین اوطاق نبود و در آن جمعی از اجاب منزل داشتند اما در ظل عنایت جمال مبارک بی نهایت مسرور بودند روز ۹ رجب (۲۴ جون) صبح بجهت خدام آستان صحبت میفرمودند که من بعد از صعود مبارک امری نماند مگر آنکه در اعلا کلمه الله بان تشبث نمودم بوسائل روحانی و عبودیت آستان حضرت احدیه چنان میزانی گرفتم که امر ته آفاق را احاطه کند اما تحریرات من بدرجئه بود که چون نوشتجات زنی از اجاب امریکا را بعد از فوت او دیدند شصت و هفت مکتوب از من داشت دیگر ببینید چه خبر است و در مجمع اجاب چون از صحبت مبارک پرسیدند شرحی از صحبت روحانی فرمودند که صحبت جهانی همینند در داهمیت در صحبت روحانیت که تاثیر ولذت ابدی دارد جسم را هر چه بیشتر بپن میثوی بدتر است پس عدم عتسنا بهتر است امروز من یک پیاله

شیر خوردم خیلی رحمت ترم چه لزوم دارد انسان بجهت خوردن اینهمه نخل زحمت و تعب نماید اما عصر مطالبی مفصل سوال و جواب در مسائل واجه بگرم عکاسی و نطقی در تقالید امم و تعصبات آنها فرمودند روز ۱۲ رجب (۲۵ جون) انما نزل منزل ستر اسل موعود بود و چون از اینجا منزل مراجعت فرمودند ملاحظه نمودند که جمعی از جناب که از نیویورک برای تشریف آفریده بودند جمیع لنگه بدین نوبه مشغول خدمات منزل مبارکند خانمهای بسیار محترمه یکی طرف می شست یکی جاروب می کرد یکی میز و کرسی پاک می نمود یکی منسوس و سریر ترتیب میداد بشوق و ذوق و دو کوی که بوصف نیاید منسوم بودند ببنیید قدرت جمال مبارک چه کار میکند این چه قدرت و نفوذ است و چه فضل و عنایتی که اینگونه نفوس را با این درجه از خلوص و محبت بخدمت مشغول نموده طرف میشوند جاروب می کنند و بجان و دل خدمت می کنند بعد یکی از آنها را که خانم مجلله بود اعضاء بسیار اظهار عنایت می فرمودند و از دکتور کروک شوهر او که یکی از دکتورهای معتبر نیویورک است احوال پرسید منسوم عرض کرد از وقتیکه بخدمت مبارک مشرف شده ترک اعتراض کرده بلکه مراد در خدمات امریه مدد هم میداد بعد حکایت فتوحات اسلام در ایران و منع شراب و نوای منزه در تهران فرمودند که وقتی مسلمان رئیس مؤبدان را بسبب خوردن شراب بتازیانه بستند در زیر تازیانه نعره میزد و می گفت ای محمدی چه کرده چه نفوذی ظاهر نموده حال باید بگویند ای سباده چه کرده چه قدرتی بر کشان را ابر محبت فرموده و شرق و غرب الهت داد که از منی عصر از زور دیرت مبارک محفل محفل نطق مبارک و سوال و جواب مفصل بود از جمله منع ریاضات شاقه و امر بخیاضت و تقویت جسم و جسدی فرمودند که هر قدر جسم ترقی کند

استعداد ترقیات روحانی بیشتر حاصل نماید اما شب در طبقه پائین عمارت ایوان و او طاقها همه مملو از جمعیت بود اول چون اجناس نغمه و صوت و سرود ساز را با پیانو سرودند لهذا نطق مبارک در بیان نغمه و صوت روحانی و اهتر از وجدانی و قوای غیر مادی بود

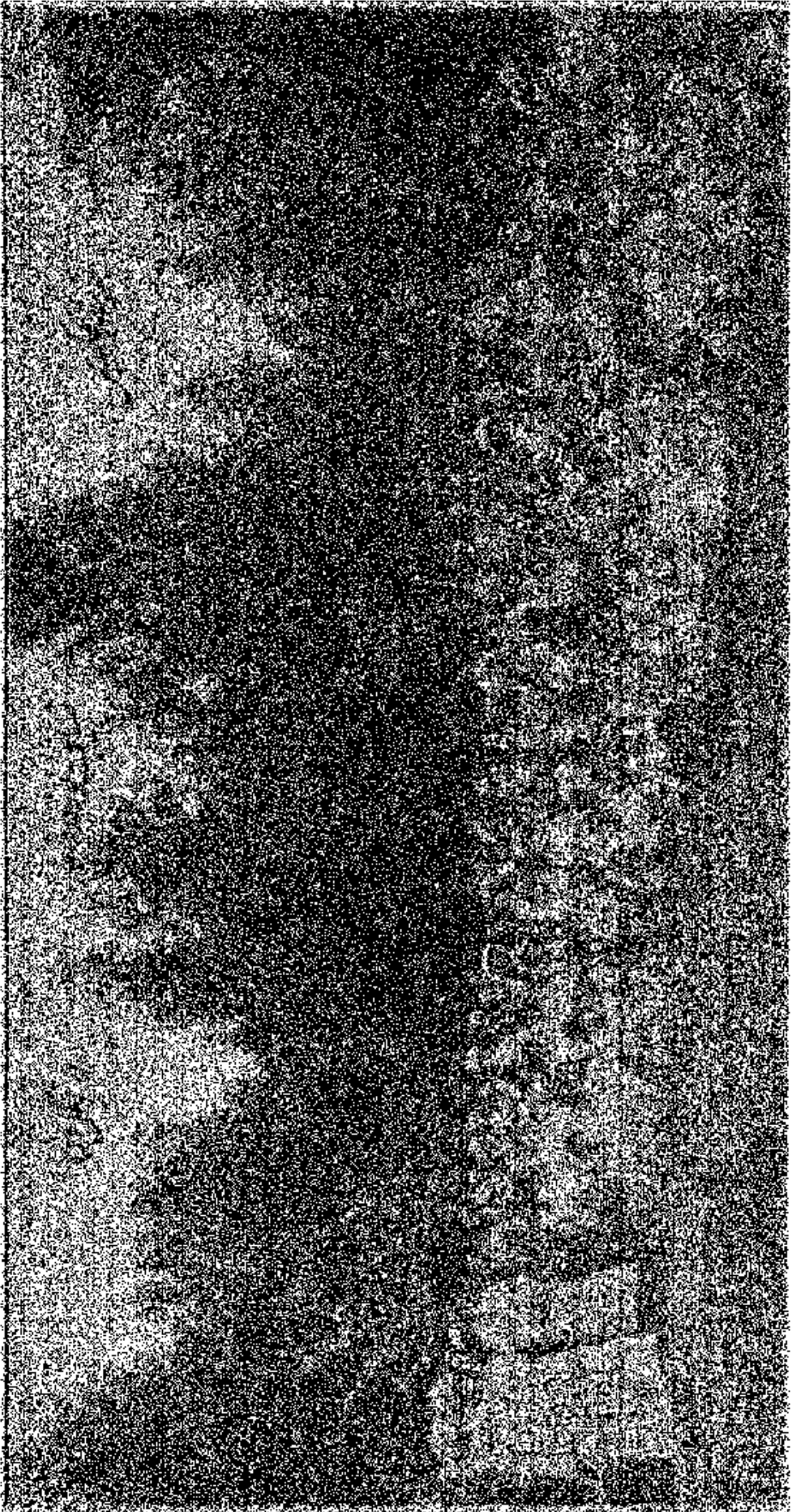
روز ۱۱ رجب ۱۲۶۲ چون بجهت بعضی که تازه مشرف شدند بیان این مطلب را فرمودند که مسیح بحواریین فرمود آنچه را شما در زمین باز نمایسد در آسمان گشوده خواهد شد لکن مسیحیان معنی آن را نفهمیدند و گمان کردند مقصد رفع گناهان خلق بواسطه رؤسای مسیحیت و حال آنکه حضرت مسیح باین بیان بسط و فسخ احکام را بحواریان داد زیرا خود آنحضرت جز بهت و طلاق امری را تغییر نداد ولی افسوس که رؤسای روحانی نفهمیدند بلکه وقتی امانی یونان و رومان مسیحی شدند از عبده صنم رسوائی با آنها سرایت نمود مثل زینت معبد بقصا و ریاضت و پرهیز و وضع لباسهای بعضی از اساقفه و بدون شمع در کنیسه و صلا و زنگ عبادت بر بام کلیسا و امثال اینها همه از عبده صنم مأخوذ است و جمعی دیگر چون بحضرت انور رسیدند از مسائل تصوف و تلمیح پرسیدند و از اجوبه و بیانات مبارکه بی نهایت خرم و خورسند گردیدند و عصر نزدیکی مونکدر در نیوآرک منزل سس کری معینی از اجنای قدیم و جدید بود نطقی در خصوص حیات روحانی و نتیجه عالم انسانی فرموده اهل محفل را بنابر محبت الله مشتعل کردند از آنجا چون بیانچه (ملتری پارک) که بهترین نقاط آن شهر است تشریف فرماید مشی و سرام مبارک عظمت و جلوه غریبی داشت جمعی از ملازمان ایرانی با کلاه و لباس شرقی و رجال و سوار امریکا با نهایت ادب و خضوع در حضور مبارک بودند و جمیع عیون و نظار بجمال

و جلال و شکی و وقار بیکل طهر با آن جمعیت و هیئت شرفی و غربی متوجه و ناظر از اینجا بمنزل
 مستر برس شریف بروند و قبل از شام مجعی از دوستان بهیا بود و نطق مبارک و نصائح
 با حبا و تشویق بر اتحاد و یگانگی با جمیع اعم و ملل عالم چون بعد از شام وقت دیر بود و راه بسیار
 دور لند و در همانجا استراحت فرمودند روز ۱۲ رجب (۲۷ جون) بمونکرم هجت
 نمودند انروز طلعت مجبور در کمال صحت و سرور از صبح تا عصر بتوضیح مسائل الهیه و بشارت
 بطور عظیم و تشریح احتجاجات اعم مشغول و نفوس دست و دست بشرف حضور مشرف
 و با نهایت خلوص و خضوع مرقص میشدند عصر نظر بسئلت مترادسل و دوستان دیگر
 رفع خستگی را بشریف فرمائے باغ نمودند چون از ترن پیاده و بنجیا بان باغ داخل شدند
 در حالت مشی می فرمودند چه نقلات پیش آمد و چه موجه از د تا ما را اینجا رسانید و هنوز
 تا چه موجه پیش آید در وسط چمن اوطاقی چوبی مرتفع و کرسی دار بود بالاتر شریف برده جاس
 شدند و مترادسل و دامادش مع سایر اجبا و خدام را هم اذن جلوس دادند و فرمودند
 جمعیت اتحاد و ترقی در اسلامبول خوبند ولی مفیدین خارج و داخل میخواهند چون من
 بارض هندس رسم دوباره مرابحون نمایند (عرض شد اقامت مبارک در تبر مصر
 بهتر است فرمودند) مبد و ماب من آستان مقدس است آنچه داریم ازان درگاه
 و عودمان با و اگر عون و عنایت و نبود این نفوس که در بین و سازش است اند کجا
 بن و شما استنامی نمودند باید نصاب داد و راست گفت ما کجا و این عنایات کجا ایران
 کجا و امریکا کجا (پس ازان شرحی در خصوص آیات قرآنی فرمودند که) فی تحقیق این آیات

دلیل جلیل بر غنا و بزرگواری و عظمت رسول الله است که با آن غلبه و قدرت بخطاب ما کنت مدبر
 ما الكتاب ولا الایمان و لولا ان شتاک لقد کنت ترکن لیهیم ثم لا تخدوک
 خلیلا مخاطب شدند این آیات همه دلیل بر صدق و عظمت آنحضرت است چه که شخص
 غیر صادق در حال قهت در اظهار عجز و نادانی نکند ولی اهل غرض اینگونه آیات را نوع
 دیگر تعبیر نمودند (و دیگر فرمودند) وقتی من بجناب قاسمیر از محمد قلی گفتم یاد داری در بغداد
 پانزده پاره نداشتیم تمام برویم حال باید قدر این عنایات جمال مبارک بدینم و بشکرانه
 قیام بر عبودیت نمایم که در ملک و ملکوت نصرت و حمایت فرمود و هدایت و اعانت
 نمود انتهی و بعد ذکر بغداد و آیات غیبیست جمال قدم و اہم عظم و گرفتن ذکر یا الله استغاث
 و خبر وصیت آقا ابوالقاسم بہدانی و پی بردن بوطنی قسدام جمال رحمانی در حدود سلیمانیه
 و ارسال و تقدیم و ایضاً بحضور جمال مبارک مفضلاً بیان فرموده و برخاستند و از میان
 باغچه رو بہ هتل ایغ تشرف بردند وقتی داخل هتل میشدند در ایوان دو خانم از متمولین
 بودند که برای تغیر آب و هوا با نجا آمد و منزل داشتند چون از دور چشمان بقامت مبارک
 افتاد پیام فرستادند و رجای تشرف نمودند لهذا چون بیرون تشرف آوردند نزد
 آنها جاس شدند از مقاصد مبارک سوال کردند شرحی در تاریخ امر و سخن و عکال و نشر
 نفعات الله در جواب فرمودند عرض کردند وجود مبارک خیلی غنی و صاحب ثروت
 کلی دیدہ میشوند "فرمودند غنای من ملکوتی است نه ملکی" عرض کردند اما غنا مشہود است
 فرمودند "در حالی که هیچ ندارم از همه عالم غنی ترم" بعضی مفضل از نصوص انجیل و غنائ

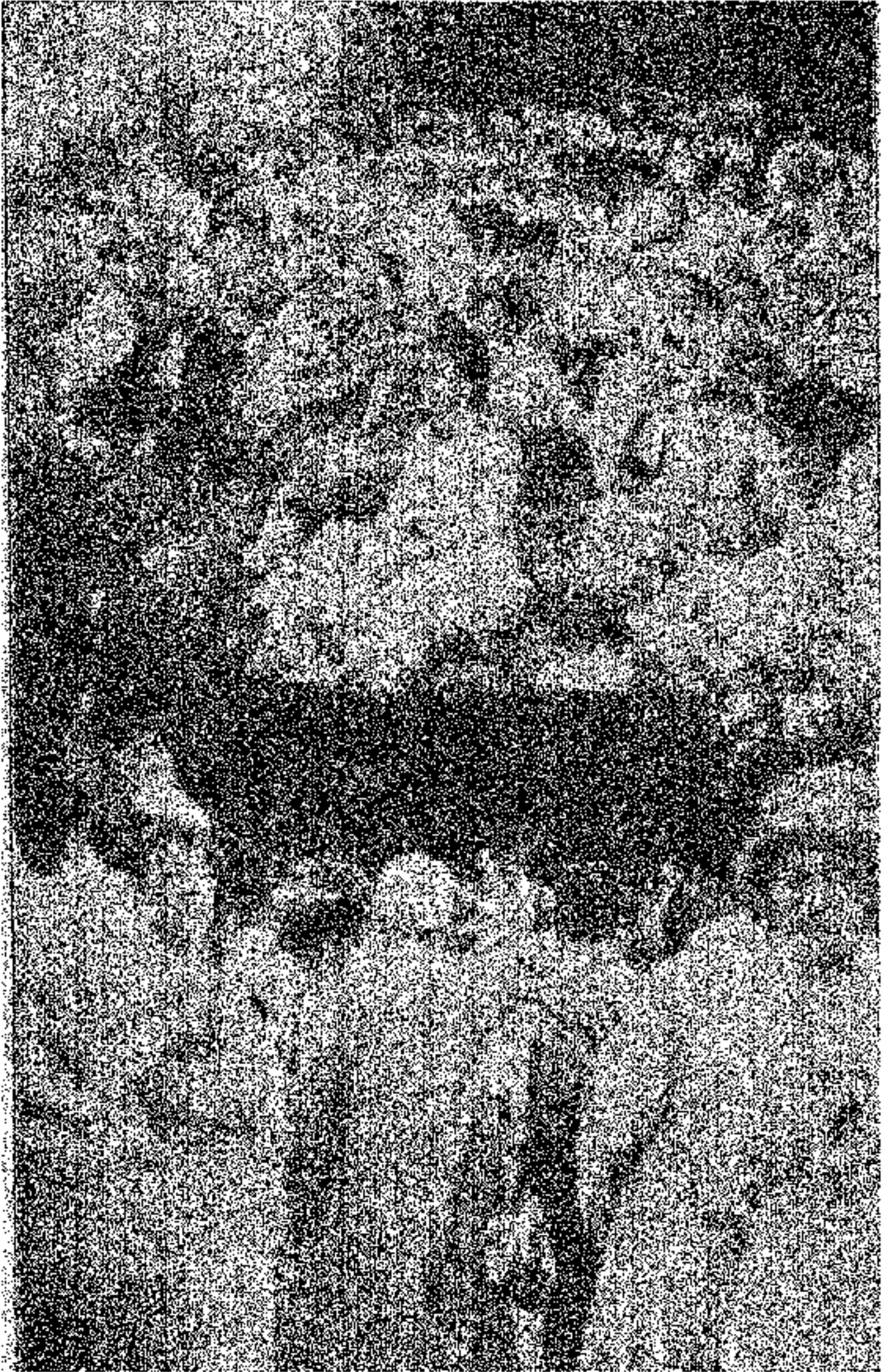
حقیقی و زوال ششون یکی بیان می فرمودند در آن بین دهن سر زن و شوهر محترم
 و مجلل عبور می نمودند چون سخن و صوت مبارک را شنیدند ایستاده گوش میدادند مختصر
 آن دو خانم جالس و این مرد وزن قائم همسرت و بهوت و آشفته و شیدا شدند
 بسمیکه از انقلاب آنها اجاب نیز منقلب گردیدند تا آخر نشانه و آدرس خود را بترادس
 دادند که با اجاب ملاقات مفصل نمایند و با ایل بهامشور شوند چه عرض شود و صبح و شام
 از جلوس و قیام دلبر پیمان و لباس شیدا بود و جانهاستوجه بملکوت ابھی با وجودیکه از جهان
 اسباب راحت و آسایشش فکر و تن برای آن یار برتر علین موجودند چنانچه می فرمودند
 اگر سرور و روحانیت من چنانکه باید دست دهد و نگر من آسوده باشد آن وقت
 می بینید چگونه قلوب منخذب می شوند و نفوس مشتعل خلاصه چون مراجعت فرمودند
 جمعیت در منزل مبارک بیش از اوقات دیگر بود از نیویورک و نیوآرک و منتظر
 اجاب قدیم و جدید زیاد بودند و چون شب آخر توقف مبارک در آنجا بود قلوب جذب
 دیگر داشت و تنهار اشوری دیگر در سر و نطق مبارک آن شب در خصوص احتیاج
 عالم مادیات بنفثات روح القدس و اکمال تربیت نوع انسانی بقوه رحمانی
 بود روز ۱۳ رجب (۲۸ جون) چون حضرت مولی لوری جهای نیویورک را از یک هفته
 پیش برای امروز با اسم بهانی نوزده روز دعوت فرموده بودند و محل ضیافت و سبط
 خوان عنایت در انگل و وود بود و صبح از مونتکلر عزم حرکت فرمودند با آنکه ایل بریک
 غلب بعد از طلوع آفتاب از خواب بر میخیزند از روز چند نفر از اجاب با اطفال کیامت

A feast given by Abdul Baha in Inglewood (New York.)



قبل از طلوع آفتاب در ب خانه مبارک نشسته منتظر زیارت و شرف بودند که طفلان
 خود را شرف و تبرک سازند و چون جمعی دیگر بساحت قدس شرف و جنایات بدیعه فائز
 شدند ساعت هشت و نیم حرکت فرمودند و از راه نیویورک عبور نموده چهار مرتبه تن
 تبدیل شد و دو مرتبه نهر رطبی فرمودند و بسیار خسته شدند و از روز هفدهم خیلی
 گرم بود و از صبح تا ظهر وجود مبارک در حرکت ولی چون با نخل و در رسیدند در منزل
 مستر و پیلیم اندکی استراحت فرمودند تا اجباب از اطراف در آن سر زمین جمع شدند در محلی
 که بیرون عمارت در میان درختها از پیش تهیه دیده بودند مجمع گشتند و آن بزم و محفل
 میدانی دائره شکل بود در وسط اشجار و در اطراف از تخته میزها ساخته و در طرف میزها
 کرسی چپیده غیر از اجبائے کما قائم بر خدمت بودند متجا و از دو دست نفر هر میز حاضر
 و جالس و ششم و مرزوق و پر نشاط و سرور بودند در جاهے که درختها پر سایه صحرا
 پر گل زمینها سبز و خرم خیا با نهام مرتب و منظم گلهای طبعی چنان زمین را پوشانیده که حکم
 یکپارچه نقش منقش یافته و هر نقشی رمزی از قدرت عهد جمال قدم ظاهر ساخته مشی
 و خرام مولی الا نام در آن سبزه و گلزار بارقت نسیم و لطافت هوا و لطافت و جلوه صحرا
 و غلغل و شور اجبا کیفیتی داشت که غنهی آرزوی سرور صغیا بود اول چون در حلقه
 عاشقان در آمدند نطقی مفضل و طبع در عظمت امر بدیع و نفوذ کلمه الله و اهمیت محافل جهتا
 تشویق بر اتحاد اولیا و امر بصدق و وفا فرمودند از نگاه در خارج محفل در خیابان قدری مشی
 نمودند اجبار جای گرفتن عکس مبارک کردند لذا دو مجلس عکس برداشتند یکی در حالت سیکه

در خیابان جاس بودند و خستام ایرانی در حضور مبارک ایستاده و دیگر مجلس عمومی
 اجاب ایستاده و نشسته و سبیل طهر در حال قیام پس کشیش و شخص مهمی بساحت انور
 مشرف ایشان را با خود برداشته بخانه مستر ولیهم شریف بردند و بصحبت و عنایت
 با مشغول تا وقتی که سفره چیده و طعام آماده میشد باز شریف آورده طرف
 مجلس سیر می فرمودند و در بین طعام شیشه های عطر را گرفته یک یک جبارانه
 و آما و رحمن را معطر و تبرک و مسح می نمودند کل مسیح بزم عبودیت شدند و روح بندگی
 در گاه احدیت یافتند چه که فیوضات روح تقدس نازل و موایب الهی کل را شامل
 بود بعد در وسط محفل مشتاقان ایستاده نطقی مکرر شیرین تر از شهد و شکر فرمودند
 و بمنزل مستر ولیهم شریف بردند دیگر معلومست که از روز اجاب چه سروری داشتند
 که همانند ایشان دلبر میثاق مجمع شان محفل حب و وفاق صحرا سبز و خرم اشجار و از بار
 معطر بو اشکبیز و پلو ایرانی بسیار لذیذ شربت و شیرین فراوان و دلها بفیض لقا
 سرور و شادمان چنانچه فرمودند این محفل سبب حصول فیض جدید است روزی
 جدید است ساعت ساعت جدید است مجامع امروز ذکرش الی الابد باقی است
 و آثارش دائم و برقرار در جمیع عوالم الهی الی آخر بیان الاحلی در آن عصر و شب
 باز در محفل پرسترت در انگل و و در پاچه که بعضی از اجاب ماندند با دوستان و بتدیان
 اشجا در مقابل خانه مستر ولیهم روی چمن صاف در صف بر کرسیها نشسته و طلعت مشهور
 پس از سیر و گردش در مقابل جمعیت جاس اول امر تباوت و مناجات فرمودند

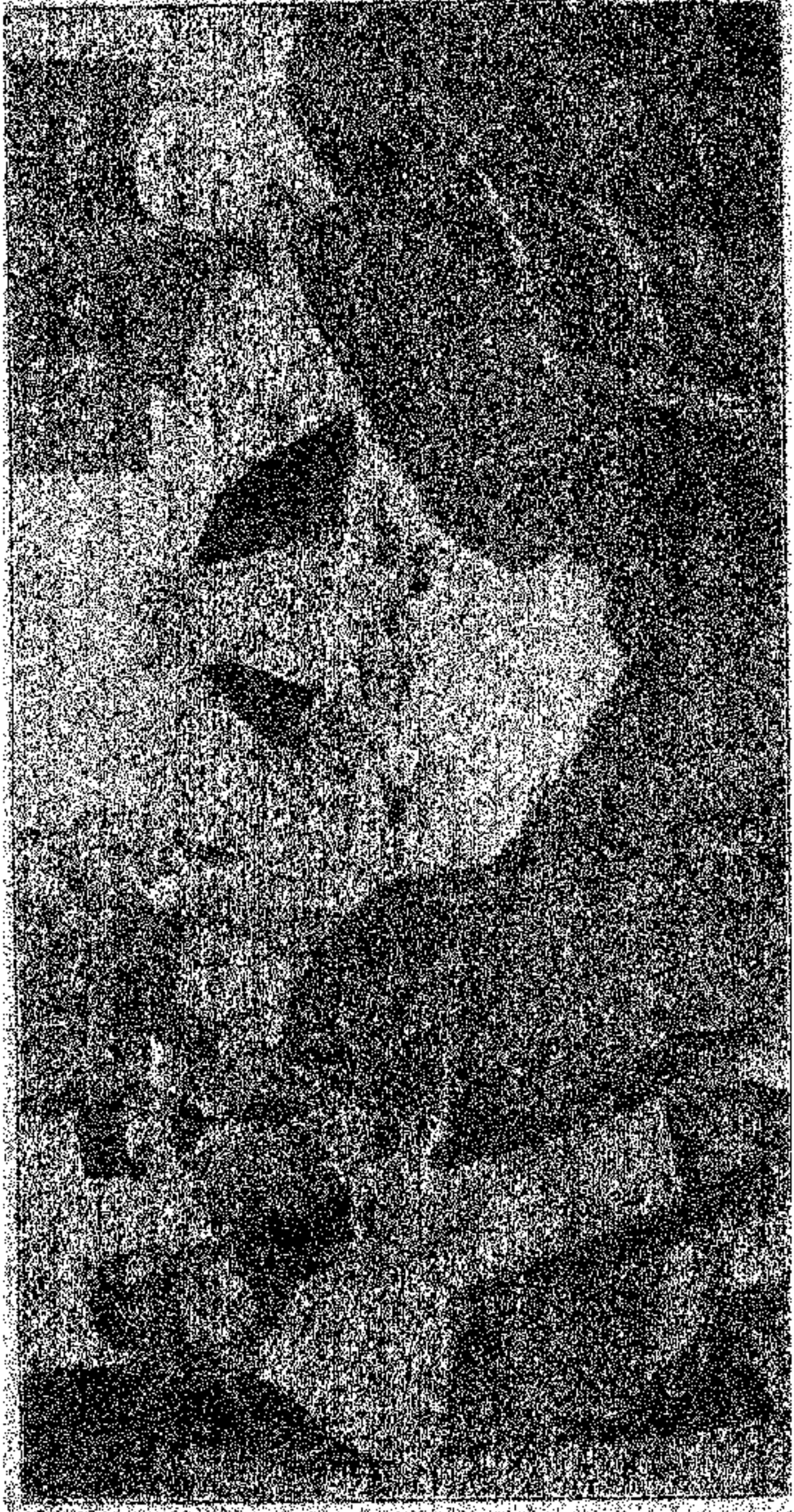


The memorable Feast in Inglewood.

بعد نطقی فصیح در تشویق بر شہ نغمات شد نوہ چون برخاستند یکی از بستہ ہا سوال
 نمود کہ تعلیم تازہ لے کہ در این امر است و بیچیک از روسای مذاہب ندارند چیت؟
 بجز دین سوال وجود مبارک استماہ در وسط خیابان جمع را صلا زدند در حالتیکہ
 جمعیت از دو طرف صف بستہ بودند مثنی می نمودند و جواب می فرمودند نطق
 و بیان مبارک بدرجہ لے مہین بود کہ کل مہوت و حیران شدند و در آن ہن و
 اتوبیل و کاسکہ عبور می نمودند چون بصفت جلال رسیدند و نور جمال دیدند پیارہ
 شدہ انہا نیز سامع بیانات چلی گشتند و منجذب تعالیم الہیہ گردیدند خلاصہ تعالیم
 ظہور مبارک را یک یک بیان و توضیح می فرمودند از وحدت عالم انسانی و صلح
 عمومی و معاشرت با جمیع ادیان و مغفرت دشمنان و حرمت سب و لعن مواندان تساوی
 حقوق رجال و نسآء و تشکیل بیت العدل و محکمہ عظمی و امر اجباری در تربیت تعلیم سپران
 و دختران و رفع و منع حرب دول و ظل و مضرات تعصبات صنی و دینی و مذہبی و طنی و سیاسی
 و امثال ذلک شروع و مفصل نطق فرمودہ و در آخر ہر سئلہ لے می پرسیدند کہ آیا
 این مسائل در کتب و تعالیم سابقہ بود عرض می کردند خیر بحالی رسید کہ سائل خود کف
 بر کف میزد و اطہار ذوق می نمود و شکر می کرد و چون شب ہفتاب و در راہ بود آن خطاباً
 مبارک نوشتہ شد ولی انگونہ مسائل در خطابہ ہای دیگر ہم موجود بعد از مجلس مفید نمودند
 اگر باین نفوس گفتہ شود کہ حضرت مسیح چہ تعلیم تازہ لے جز تبدیل حکم سبت و طلاق آورد
 و حیران می شوند باری انشب را در نگل و دوش شریف داشتند

رجب (۲۹ جون) بسکيل اقدس و بندگان آستان مقدس منزل جنرال قونسول ايران
 مستر توپاكيان موعود اول درنگل و دود صبح بمنزل كشيلى كه يوم قبل مشرف شده بود شريف
 بردند و او چون از دويرنگل انور را ديد از اطاق بيرون دويد و با تمام خضوع و شوق چهار
 شكر از شريف فرمائى مبارك نمود و از شرف و استماع بيانات مشفق و مبدم بحالت
 خضوعش ميا فرود پس از انجا سوار اتوبيل شده از راه جنگل كير بمنزل حضرت قونسول
 بوريش تون كه بهترين نقاط احمد و دهست شريف بردند مهتيازي كه آن محل با صفابر
 ساير مواقع داشت يك رودخانه جاري طبعي بود كه از دو طرف تنها همه شجر و اطراف
 خرم و اخضر بود و اين در مقابل عمارت جناب قونسول واقع و منظر نگار جان و دل گرديد
 بعد از نزول قدم مبارك و تعظيم قونسول و كان او جمعي از محترمين كه محض شرف حضور
 مدعو بودند در محضر طهر با چند روزنامه نويس سوال و جواب و استماع خطاب مشعوف
 و مفتخر گرديدند تا وقت ناهار عكاس مخصوص حاضر و دو صفحه عكس مبارك را قبل از شروع
 بنا بار و كى سر ميز در حالت جلوس برداشت مختصر قونسول محترم در حضور مبارك در كمال
 اوب و خضوع بود بدرجه شئى كه بچگاه نبي اجازه نشست و نطق مبارك و صورت
 آن محفل را چنان ضبط نمود كه در روزنامه اسلام نمايد و بمهانداری فتحا كنند و بعد از
 استراحت و گردش عصر باز در عمارت روزنامه نويسي مشرف و شجرى در مطالب
 امرتيازان اظهار استماع و تحسیر نمود تا وقت حرکت كه با كمال عز و جلال طلعت بمشال
 عزيمت بنيويورك فرمودند چون بمنزل مبارك رسيدند اجازه تهيه شام فرمودند

صیانت خیرالقوم فی ایران دیومرزی



Dashtnamah of Abdul Dabir, the Counsel-General of Persia (New York)

قدری مان دهند و آنکه موجود بود میل فرموده استراحت نمودند روز ۱۵ رجب ۱۳۰۱
 چون پس از نماز و نیاز بدرگاه ملک بنی تبار خدام حضور را احضار فرموده بدست مبارک
 چای عنایت می فرمودند و بذکر تائیدات و مواهب جمال قدم اسم عظیم مشغول و مناطق که
 این عون و عنایت از قدرت او و این تائیدات بصرف جود و فضل اوست ورنه ما جز
 بنده ضعیف نیستیم ما مانند نیتیم این همه آوازه از ازاوست ما موریم این حشمت
 سلیمانی از اوست ما بنده ایم و این سلطنت آسمانی از او پس باید دائم بشکر عنایتش
 پرداخت و جان و دل را بخدمتش بدهم ساخت انتمی از انروز در منزل مبارک نفوس
 متواتر بزم وصل و لقاء حاضر ولی حتی الامکان مجامع خارج و دعوت غیاب را قبول نمی فرمودند
 اما در بیت مبارک محافل عمومی را شب و شرف خصوصی و امور ساثره را در محرز رسیدگی
 می فرمودند آنشب نطق مبارک در خصوص اقامت طولانی در نیویورک بود که چون
 اسکله شرق و غربت میخواستیم مرکز آثار باشد و اجبار در روحانیت ترقی و تقدم حاصل
 نمایند و علاوه از مجامع و محافل مشی و مراسم مبارک در هر راه و گذر جلب نظر میسکرد
 و طرف عنایت صیادها و ان بر طلب بصیرت می نمود چنانچه عصر روز عید رجب (اول ماه
 جولای ۱۹۱۲) در باغچه نزدیک منزل مبارک مشی می فرمودند شخصی از امانی یونان چون بیکل
 پیمان را دید شرف و منجذب شد و فوراً جمعی از رفقا و یاران خود را که در آن باغ بودند
 صلا زد و بزم لقا کشانید در آن سبزه و چمن آن یار انجمن لفظی در باره حکمای یونان ترقی
 و وطن آنان در قدیم الایام فرمودند و تشویق تحصیل فضائل عالم انسانی کردند چه جمال چنان

ایشان را منجذب ساخت که شب در انجمن بهائیان درآمدند و در حلقهٔ مغان دخل شدند
 و هر شب پس از شرف عمومی جمعی از بستیدیها در اوطاق مبارک حضار میشدند و از شماع
 مسائل الهیه و بر این قاطعه و جواب سوالات و حل مشکلات هر دلی منجذب بکوت الله میشد
 و هر قلبی متوجه بافق ابھی می گشت با آنکه در تابستان و شدت گرما بود هر روز شیبی جمعی
 تازه بساحت انور توجه می نمود روز ۷ ارجب (۲ جولای) صبح کافی استابق
 طلعت عبودیت و یکیل رقیت پس از اوراد و اذکار بدربار ملک مختار خدام آستان
 را احضار فرمودند و بذکر عون و صون جمال قدیم و شکر و ثنای اعم عظم لب گشودند بعد
 تا ظهر بیکل است بس مشغول بگفتگوی بامبستیدیها و شرف اجابا بودند تا بار را قدری شیربانان
 میل فرموده استراحت نمودند تا سایر مجتین و خادین جمعی سفره مبارک بجمع و بانها
 سرور و جهورت بنعم و مرزوق طرف عصر شخص محترمی رجامود بهوتل پلرای نیویورک که
 ممتازترین عمارتهای انجا بود و مخصوص رؤسا و بزرگان امریکا تشریف بردند چون
 وارد شدند و وضع عمارت را مشاهده فرمودند در کوحکمتین اوطاقهای آن جاس
 شدند و هر قدر مدیر رجامود و وجود مبارک را بسیر و گردش دلالت کرد قبول نمودند
 بعد با حجاب فرمودند که چون عمارات عالییه و مناظر با صفا می بینم بیادین و بلایای
 جمال قدم می افتم قلب منقلب میشود و از رغبت یر و گردش منصرف آتش نطق
 مبارک در باره الوهیت و کیفیت خلقت بود که سلطنت الهی قدیم است و مادام خالق
 بود خلق هم داشته روز ۸ ارجب (۳ جولای) روز جشن سالانه امریکائیان

و آزادیشان از حکومت انگلیز بود و در هر گوشه و کنار بزم عیشی مینمایند از محفل عظیمی که حاکم نیز
 حضور داشت مکرر وجود مبارک را دعوت نموده بودند و علاوه بر آن از عرض قاصدی
 مخصوص بنوشکر فرستادند جواب فرستادند اگر مجال یابیم خواهیم آمد چون بزم روحانی
 نبود و مقصد مبارک هم همراهی بود لذا خود شریف نبردند بلکه ملازمین حضور را با کلاه
 و عبا ی ایرانی فرستادند قبل از ورود حاکم ما را با اسم مبارک احترام نموده در سمتی که محل
 جلوس حاکم بود خیلی نزدیک کرسی دادند ولی سایر طبقات چینی و جاپانی ترک و هندی
 و عساکر و افواج و صنایع امریکائی هر یک با تبتیه تعظیم و تبریک و چتر و علم و خیل و ششم
 میآمدند و از حضور حاکم میگذاشتند و دستهای مردانه و زنانه و پسران و دختران
 با حسن صورت و اشکال و بنام و صوت عبور می کردند و با هر یک حاکم در نهایت رؤیت
 و خضوع معامله و مکالمه می نمود پس از آن نوبت بشاعران و خطیبان رسید چون مجلس
 ختم گردید بحضور طهر مراجعت شد و تفصیل معروض آمد خوب شد که شریف
 نداشتند زیرا شدت گرما و از دحام عام منافی صحت مبارک بود اگر چه هر گاه موافق
 مصالح امری می بود هر تعبی را تحمل می فرمودند چه که اکثر ایام در این سفر با حال ضعف و خستگی
 طی منازل بعیده و سیر محافل عدیده در یک روز فرمودند و از صبح تا شام در آن مناطق
 چنانکه بیچ صاحب بنیه کس را آن تاب و توان نبود خلاصه عصر آن روز نظر باستدعای
 بعضی جناب سواران توپیل شده در شهر گردش نمودند و شب در بیت مبارک نظمی مفضل
 در شارات ظهور فرمودند روز ۱۹ رجب (۴ جولای) صبح جمعی حیات

اظهر مشرف بودند بیان مبارک در خصوص علم الهی و مراتب روحانی بود که سبب حیات است
 و نتیجه وجود انسانی از جمله جوان سیاهی مشرف شد اورا ستر مبارک نام عنایت فرمودند
 و خانم سیاهی را بنحوشش قدم مخاطب و موسوم ساختند و شرحی در استیلام مین بیان
 و سفیدان امریکا و محافل و نطقهای مبارک در اینخصوص بیان فرمودند مس کاف من
 از تاثیر سیارات سوال نمودند فرمودند قول منجمن اکثر اشتباه و غیر معتبر است ولی جمیع
 کائنات بهم مرتبط مثل اعضا بسکل انسان که ارتباط تام دارد از ناخن پاناموی بر جمیع مربوط
 بیکدیگرند سلسله کائنات نیز مانند سلسله زنجیر بجمیع مرتبط و لابد تاثیرات عظیمه در
 مستنظم و مرتب دارد دیگری از تعلق روح بجد پرسید فرمودند مثل تعلق آفتاب بر زمین
 و موت عبارت از قطع این ارتباط بعضی عرض کردند ادعیه و مواعید مبارک در حق
 استجاب و کامل شد و فرمودند من همیشه با کمال تضرع دعای کنسم و از ملکوت الهی
 با نهایت اشتهال تاثیر میطلبم (از تاثیر گراما صحت مبارک پرسیدند فرمودند) فکرم چنان
 مشغولست که توجهی بگراما و سراندارم هر چه هست خوبست از روزم در اکثر اوقات
 بصدور خطابات بافتخار احتجای شرق اشتغال داشتند و با وجود مشاغل عظیمه بعضی
 همه را فوراً جواب عنایت می فرمودند شب در مجلس جمعیت زیاد بود و نطق مبارک
 در خصوص مراتب خلقت و کمالات عالم وجود پس از محفل هم نفوس محترمه از مبتدیان
 در اوطاق مبارک مشرف و اجوبه بے بعد از سوالات آنها در مقامات الوهیت و سیر سلوک
 در طریق معرفت و عبودیت فرمودند چنانکه جمیع مسوول و خوشنود و دستانوت ورود

حضرت معبود گردیدند روز ۳ رجب (۵ جولای) الواجی بافتخار دوستان کلیفورنیا
 و نسلی آنها در دوری طلعت دلربا صادر و عنایت شد زیرا آن ایام اراده مبارک از مسافرت
 با تصفحات منصرف بود لهذا دوستان غرب امریکا چون اکثر شرف حاصل نمودند بسیار
 متأثر و نالان شدند و هر روز بوسائل تلگرافات و عرائض استدعا و التماس مسافرت
 مبارک با نخواستند و می نمودند و امروز محض رجای مس جولیت تا سن بیوزم (انتیکه
 خانه) نزدیک منزل مبارک شریف بردند و طبقه اول که آثار مجتمه های انواع حیوانات
 و بعضی از آثار و حجار قدیمه امریکا بود از نظر انوری گذشت و می فرمودند ازین آثار معلوم است
 که امریکا در ایام قدیم دارای تمدن بوده آتش دوستان و بستدیان و مجلس بشین از
 پیش بودند ولی نهایت از نطق مبارک در فنای ششون جسمانی و حیات روحانی شجذب
 و مشغوف روز ۲ رجب (۴ جولای) صبح پس از تلاوت مناجات و شرف
 جمعی از یار و غیار بیرون شریف بر خیابان مشی فرمودند و این تلاوت و سبک مبارک بود
 که همیشه قبل از شام و نماز استدری بیرون مشی می فرمودند و از نزدیک از یونانیها رجا
 نمود که دوستان او در باغ بزرگ خارج شهر جمع و متوقع شرفند لهذا حرکت بست آن
 باغ فرمودند از راه خط آهن زیر زمین عبور میکردند و می فرمودند در طبیعت انسان
 باید طلب صعود باشد نه نزول هوای زیر زمین حبس است رفتن از راه بالا بهتر بود
 حال مبارک می فرمودند که حتی جسد مرده انسان حیث است زیر زمین باشد خلاصه
 چون باغ رسیدند روی چینی جالس شدند و چند نفری که طالب و مشتاق بودند آمده

مشرف شدند و زیاد تر اوقات مبارک باستماع ترجمه مقاله مفصل گذشت که امروز
 در خصوص طلعت پیمان و نطق و بیان مبارک در کلیسا بواسطه روزنامه حسن طبع و نشر شده بود و
 در محضر اطهر بسیار مقبول واقع چه که در کلیسا هنگام نطق مبارک روزنامه نویس خود حاضر و
 عین ترجمه بیانات و خطابه مبارک را با مختصر وقایع درج نموده بود و حکایت از قدرت بیان
 طلعت پیمان در اثبات ظهور مطهر الهیه بالأخص دیانت اسلام و این امر عظیم می نمود آن
 روزنامه هم بجمع مجامع شرق ارسال شد تا کل از نفوذ امر الله و سطوت طلعت پیمان آگاه
 گردند گذشته از اینگونه مقالات و جرائد چه بسیار ابیات و قصائد در هر شهری یا و غیر
 تقدیم کردند که همه در اوصاف طلعت محمد الهی بود و حاکی از نفوذ کلمه مبارک در قلوب عزم
 حتی در باره مزاج مبارک و تکلم نمودنشان بجهله های مختصر انگریزی ابیات بسیار طبع نوشتند
 مخصوص مترکسوی که در ایام اقامت مبارک در نیویورک دفتر منظمه در کمال فصاحت
 و طاحت از محامد طلعت عبودیت مرتب نمود و در صد و طبع و نشر آن بود باری آن شب
 نطق مبارک در مجمع در خصوص امتیازات عالم انسانی بحیات روحانی بود و دیگر آن اوقات
 مگر زنت لو اسس گتنگر را امر مراجعت بکلیفورنیا فرمودند و او پس از تأخیر در حرکت بیمار
 شد چون علاج دکتور با نتیجه بعکس بخشید لهذا قدری رُت انا را با یکدانه سبب با و عنایت
 شد و از خوردن آن بهبودی حاصل روز ۲۲ رجب (۷ جولای) است لو ارا امر
 ب حرکت فرمودند و بیانات مبارک با و بسیار موکد و شدید از جمله این عبارات بود
 جمال مبارک این محمد را برای اطاعت گرفتند نه مخالفت و این را من محض حفظ امر الله

و اتحاد اجبامی گویم اگر نه بجهت سدا و نام و دفع اختلاف بود اظهار اینکه من مرکز و شاقم
 نمی نمودم ما باید بسندگی جمال مبارک نمایم عنایات و وصایای او فراموش نکنیم و الا
 اگر نفع و اثری از وجود در ما باشد فوراً معدوم می شویم اجبا باید بیدار باشند هر کسی کلمه
 بدون نض بگوید اختلاف بین اجباب بیندازد جمال مبارک این عهد را برای اطاعت گرفتند
 یعنی اسدی از خود کلمه بگوید اجتهاد نماید و الا هر کسی بانی مفتوح نماید و نض الطمی را تفسیری
 کند چون یکی گوید من قوه روح اقدس دارم خوب میفهمم فوراً هر کسی گوید من هم دارای روح تقدیم
 حتی این بهره زنها با آنکه قوه قدسیه حصر در جمال مبارکست بیانش با من و سلام اینطور که باشد دیگر اختلاف نیست
 ما همه باید در فکر تبلیغ امر باشیم هر کس فکر دیگر دارد بداند که سبب اختلاف خواهد شد انهی مختصر اورا
 باس رستن که از اجبای جدید کلیفورنیا و مقبول ساحت عهد کبریا بود حرکت دادند و یک
 تخته قالیچه ممتاز ایرانی نیز از حضور مبارک بلیدی رستن عنایت شد و شب پس از خطابه
 در مجمع عمومی که عنوانش بیان حقد کیشهای کاتولیک از نفوذ امر الله بود بعضی از دوستان
 احضار و بیان کبیر در لغت و اتحاد فرمودند روز ۲۳ رجب (۸ جولای)
 پس از مناجات بیارگاه سلطان هما و صفات جمع کثیری از اجبای جدید و قدیم که
 منظر شرف بودند و هر یک جا و سلتی داشتند بتدریج مشرف شدند و هر کدام
 استفاضه از فیض ابدی نمودند و ظهر خانواده مسترهور نامار را در محضر مبارک مدعو بودند
 بانکه گرماشدید بود و هیکل اطهر از کثرت اشتغال مجال استراحت نیافتند تا عصر که بانچه
 نزدیک منزل شریف بردند و آن محل کنار نهر بود و هر روز بقدم مبارک فرین میشد